

JAMIA HAMDARD
CENTRAL LIBRARY NEW DELHI
Acc No 1561
Date 17.2.03

297.09
TIBT

اوراق
٢٨١ xT

از دین مرتد گشتند فریضهٔ زکوٰة را منکر شدند ابوبکر صدیق
رضی الله عنه عزیمت مقاتله با ایشان جزم کرد و سائر صحابه
حتی عمر خطاب رضی الله عنهم مرجوع شدند از ابا ایشان مودد و تأمل
داشتند چه ایشان قائل بودند بکلمهٔ توحید و باقی ارکان اسلام
و آخر الامر بر صحابه روشن شد که حق آنست که ابوبکر بر آنست
و بروایتی آنکه تمام اعراب بادیه مرتد گشته نزد ابوبکر فرستادند
که زکوٰة از ما طرح کن تا ما تابع و مطاوعت تو کنیم صحابه گفتند
وقتی که پیغمبر صلی الله علیه وآله وصحبه وسلم با ایشان محاربه
میفرمود از آسمان ملایکه کرام مدد میداد و امر بوحی منقطع است
آن صورت میسر نشود و ما طاقت و مقاومت اعراب نباشد
مصلحت آنست که طریق مباهله و مجاهله با ایشان مسلوک
داری چند آنکه امر اسلام قوت گیرد صدیق در جواب گفت قسم
بذات رب البریات که اگر عقالی و یا عقالی و یا عقالی از آنچه که در
زمان حضرت میدادند باز گیرند مرا نه که با ایشان باشمیر مقاتله
نمایم و اگر ان امتداد اهتمام از صدیق عقد ان امر واقع نمی شد خللی کلی
در کار اسلام پدید می آمد و این عمل ابوبکر که عمر میگفت آن روز میدانم
که تمام اعمال خیر من مقابله یک روز و عمل کیست ابوبکر یعنی شب غار
بودی و لهذا در مدح صدیق گفتند بخلاف جود تو بخیل و من کرد
زده اهل رده پر خون کرد مکر افتاده را بپا آورد ملت رفته باز جا آورد
چون خدا خواسته زکوٰة و نماز بهم آورد ممکنات را باز بر کرد تا او بقوت ایقان
شرک شکار ز دریچه ایمان بعضی از اعراب مانند بنو عبس وغیرهم

که در نواحی مدینه متوطن بودند مرتد شدند و بآن اکتفا نکرده
قصد غارت مدینه نمودند و چند روز اهل مدینه را محاصره دادند
ابوبکر چون دید که از لشکر اسامه تخلف نمودند بتکمیل و تسلح سایر
از مدینه بیرون فرستاد در وقت صباح تاخیر بر ایشان آوردند
و نساء و ذریه ایشانرا پریشان ساختند و جمعی را بکشتند و طایفه اسیر
گردانیدند و باقی منهزم گشتند و اهل اسلام در عقب ایشان
تا موضع ذوالقصه برفتند و بآن سبب خوف و هراس بر سایر اعراب
مستولی شد و بعضی ایشان باسلام معاودت نمودند و غنیمت
بسیار بدست مسلمانان افتاد صدیق اکبر اموال که از بنی
از بنی قضاعه بیاورد منهزم ساخته بتجهیز لشکر فرمود و سرکردگان
تعیین نمود تا هریک بر سر از مرتدین روند و بعد از وفات حضرت
دوازده طایفه در زمان خلافت صدیق کفایت شد و کار دو
معظم را عمر مکمل ساخته البقیه ابوبکر خالد ولید را به بنی اسد سر
طلیحه که دعوی نبوت میکرد فرستاد چون ظفر بر آن یافت بفرموده
ابوبکر هم آنجا متوجه تمام شد بجنگ مسیلمه کذاب و شرح این قصه
در مقصد اول از کتاب در وقایع سال یازدهم از هجرت مذکور شد

ارباب سیر و اصحاب تواریخ
رقم آوردند که چون خالد از مهم طلیحه فراغت حاصل کرده بفرمود
صدیق متوجه موضع بطاح شد و چاکر بن نویره را که از قبل
رسول صلی الله علیه وآله وصحبه وسلم منصب آن واحد